

Prevention Diplomacy in the Light of International Environmental Criminal Law

Peyman Namamian^{1*}, Sobhan Tayebi², Alireza Shakarbeigi³

1. Associate Professor, Department of Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Arak University, Arak, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law, Payam Noor University, Tehran, Iran.



Article Type:

Original Research

Pages: 37-70

Received: 2023 July 21

Revised: 2023 September 11

Accepted: 2023 December 06

Abstract

Environmental crime is a growing concern that causes significant damage to the environment. In this regard, although these crimes threaten humanity in some way, the international criminal law system has not yet shown a special reaction to it, such as including its name in the list of crimes of universal jurisdiction. Therefore, despite the limitations, the impunity of these crimes is not in the interest of the international community, and on the other hand, the principle of prevention should be considered in both aspects of criminal law and environmental law. The fight against environmental crimes is an aspect of what the United Nations calls “environmental rule of law”. It describes a situation in which laws are widely understood, respected and enforced, and people and the planet enjoy the benefits of environmental protection. In this regard, it seems that with the understanding of prevention diplomacy in the light of environmental criminal law, a deeper understanding of the challenges and the best tools to fight environmental crimes has emerged.

Keywords: Prevention Diplomacy, International Criminal Law, International Environmental Law, Global System



دیپلماسی پیشگیری در پرتو حقوق بین الملل کیفری محیط زیستی

پیمان نامامیان^{۱*}، سبحان طیبی^۲، علیرضا شکریگی^۳

۱. دانشیار گروه حقوق دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اراک، اراک، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق دانشکده حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.



چکیده

جرایم محیط زیستی یک نگرانی فزاینده است که باعث آسیب قابل توجهی به محیط زیست می شود. در این راستا اگرچه این جرائم به نوعی بشریت را تهدید می کند اما هنوز نظام حقوق بین الملل کیفری نسبت به آن عکس العمل ویژه ای همچون قراردادن نام آن در لیست جرائم صلاحیت جهانی نشان نداده است. از این رو با وجود محدودیت ها، بی کیفرماندن این جرائم به صلاح جامعه جهانی نیست و از طرفی اصل جلوگیری و پیشگیری در هر دو وجه حقوق کیفری و حقوق محیط زیستی بایستی مد نظر باشد. مبارزه با جرایم محیط زیستی جنبه ای از آن چیزی است که سازمان ملل آن را «حاکمیت قواعد محیط زیستی» می نامد. این وضعیتی را توصیف می کند که در آن قوانین به طور گسترده درک، احترام و اجرا می شوند و مردم و کره زمین از مزایای حفاظت از محیط زیست برخوردار می شوند. در این راستا به نظر می رسد با فراگیری دیپلماسی پیشگیری در پرتو حقوق کیفری محیط زیستی، درک عمیق تری از چالش ها و بهترین ابزار برای مبارزه با جرایم محیط زیستی پدیدار شده است.

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۳۷-۷۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵



واژگان کلیدی: دیپلماسی پیشگیری، حقوق بین الملل کیفری، حقوق بین الملل محیط زیست،

نظام جهانی



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

درآمد

علیرغم پیشرفت زیاد در زمینه حقوق بین‌الملل محیط زیست و درک افزوده ارزشهای بنیادی در معرض خطر، واکنش به چنین فجایی همچنان روی راهکارهای غیرکیفری متمرکز مانده است. تعقیب‌های کیفری که به طور معمول صورت گرفته‌اند فقط بر پایه مقررات ملی استوار بوده‌اند. فرضیه‌های امکانپذیر متعددی در مورد علت پیشی‌گرفتن بروز رویدادهای عمده آلودگی‌های برون مرزی از حقوق بین‌الملل کیفری وجود دارند. اول، حقوق کیفری از دیرباز موضع بسیار تردیدآمیزی در مجموعه ابزارهای کاربردپذیر برای مقابله با آسیب‌های اساسی محیط زیستی با ابعاد بین‌المللی را اتخاذ کرده است.

به طور حتم در چنین مواردی دشواری‌هایی در وارد کردن اتهامات کیفری وجود دارند. از اینرو، اگر فقط غفلت یا بی‌احتیاطی دخیل باشد جرم‌انگاری بسیار دشوار است. از این رو، قطعاً شواهد و قرائنی از فجایع محیط زیستی وجود دارند که گویای چنین غفلتی در مورد جان انسانها و اموال هستند که آنها را با نوعی قصد ارتکاب جرم کیفری ذهنی قیاس‌پذیر کنند. دوم، مشکلات آلودگی زمانی که فاقد یک رکن برون مرزی شفاف باشند به زحمت از دیدگاه بین‌المللی به مورد بحث گذاشته می‌شوند چرا که از یک سو حقوق داخلی برای تعقیب طرف مسئول کفایت نمی‌نماید، زیرا این مساله به دلیل فقدان مقررات نافذ یا به دلیل همدستی خود دولت مربوطه در الگوهای انحطاط محیط زیستی است که اجازه نمی‌دهد تحقیق و تجسس شایسته اجرا و انجام شود. و از سوی دیگر، شاید حقوق داخلی نتواند بزرگی آسیب‌های وارده به محیط زیست با ماهیت جهانی را که تهدیدی برای محیط زیست برون مرزی به شمار می‌روند به طور کامل ارزیابی کند. هرچند این پیش‌بینی وجود داشته که با وجود به خطر افتادن محیط طبیعی و حفاظت از محیط زیست به طور قطع نظام‌های ممنوعیت جهانی در این خصوص نقش برجسته‌تری را ایفاء خواهند کرد. (Hamilton, 2021: 47-49) در این راستا از یک جهت

و بنابر ضرورت و اهمیت موضوع کیفری انگاری مخاطرات محیط زیستی در عرصه ملی، منطقه ای و بین المللی، می بایست مسیر جرم انگاری مسطح گردد و درک بقای محیط زیست در عرصه جهانی به امری الویت دار با اعتبار همیشگی بدل گردد. از جهت دیگر ساز و کارهای بین المللی موجود نظیر پلیس اینترپل و موارد مشابه می بایست در این خصوص فعالیت شان بیش از پیش محرز گردد و گفتمان بین دولتی نیز در مسیر رشد و تعالی موثری قدم بردارد. از این رو پژوهش حاضر به دنبال این مساله است که بررسی نماید آیا این نظام گفتمانی علاوه بر مهیا ساختن کیفری انگاری حفاظت از محیط زیست، زمینه های پیشگیری را مد نظر قرار داده است؟ و راهبردهای نیل بسوی این مهم چگونه پردازش می شود؟ از این رو ما با درکی از مساله پیشگیری که یک ضرورت لاینفک هم در حوزه حقوق کیفری و هم حوزه حقوق محیط زیست است، به موضوع دیپلماسی پیشگیری در پرتو حقوق بین الملل کیفری محیط زیستی می پردازیم.

به هر روی، روش مطالعه در این پژوهش براساس چارچوب گردآوری داده ها به صورت توصیفی و کتابخانه ای است. در این راستا، پژوهش حاضر با بهره گیری از منابع کتابخانه ای و اینترنتی و تدقیق در منابع نوشتاری به انجام رسیده است.

پیشینه پژوهش

دیپلماسی پیشگیری زمینه همکاریهای مساعد بین المللی در خصوص پیش مقابله با مخاطرات محیط زیستی که در ابعاد وسیع به جنایت بین المللی مبدل می گردد، را فراهم می سازد. در واقع سنگ بنای این مهم نشأت گرفته از فصل مشترک میان دولت-ملت ها است. این فرایند الزاما رویکرد کیفرنمایانه ندارد بلکه رویکرد پیشگیرانه را تقویت می نماید. این مساله به این دلیل است که شاید قلت قانونگذاری کیفری بین المللی در رابطه با محیط زیست نشانگر جایگاه نسبتاً تازه و ثانوی جرائم محیط زیستی در نظام حقوقی کشورها باشد. با جرائم علیه محیط زیست مانند تخلف قانونی

برخورد می‌شود که به جای اینکه به عنوان بخشهای اصلی مجموعه قوانین کیفری درج شده باشند مانند بخشهای گسسته‌ای از قانون مدون محیط زیست درج شده‌اند. حتی در رابطه با اشکال بسیار خاص و چشمگیر آلودگی باید گفت مقرره‌های کیفری میل دارند به شکل جنبی به قانونگذاری جامع‌تر در خصوص محیط زیست ظاهر شوند. حقوقی که به جرائم محیط زیستی پرداخته‌اند از دیرباز به جای اینکه شاخص مجزای کاملاً توسعه یافته حقوق کیفری محسوب شوند ضمیمه‌ای از حقوق عمومی و اداری حافظ محیط زیست به شمار رفته‌اند. مثلاً شورای اروپا بر خصیصه تابعه مجازاتهای کیفری مرتبط با حفاظت از محیط زیست تأکید داشته است. (Commission European, 2021: 1-10)

اینکه بسیاری از جرائم محیط زیستی به دنبال واکنش‌های مردم نسبت به حوادث متمایز و جداگانه ایجاد می‌شوند نشان می‌دهد چقدر پایه‌ریزی یک نظام منسجم در خصوص جرائم کیفری که برای حفاظت از محیط زیست منظور شده باشد دشوار است. این وضعیت می‌تواند با ارزیابی مجدد وخامت حملات خاص به محیط زیست تغییر کند اما در حال حاضر مخصوصاً از سوی کشورها شور و اشتیاقی برای توسعه در حقوق بین‌الملل کیفری محیط زیستی وجود ندارد. شاید به خاطر این مشکلات باشد که اقدامات به عمل آمده جهت اتکا به حقوق بین‌الملل کیفری به منظور حفاظت از محیط زیست به روشی بلند پروازانه‌تر تلقی گردیده است.

فراخوان‌های اخیر برای اعلام جرم بین‌المللی جدید به نام محیط‌کشی به عنوان پنجمین جرم اصلی تحت صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی گویای میل شدید برای تغییر و تحول ریشه‌ای می‌باشد. این اقدام ویژه به رهبری یک وکیل دعاوی انگلیسی به نام پالی هیگینز صورت گرفت. طرح پیشنهادی وی بر پایه پیشنهادات پیشین در خصوص ایجاد جرم انحطاط محیط زیست، محیط‌کشی، یا زمین‌کشی، و طرحهای پیشنهادی در خصوص جرم‌انگاری آسیب وارده به نسل‌های آینده استوار بود. این طرح‌های پیشنهادی یا بحثهای هرچه شدیدتر درباره ضرورت تشکیل یک دیوان بین‌المللی محیط زیستی

توأم بودند. احتمال موفقیت حقوق بین‌الملل کیفری در ارتباط با گرم شدن زمین که شاید یکی از بزرگترین خطرات برای محیط زیست باشد روز به روز افزایش یافته است. (Hamilton, ۲۰۱۹: ۳۵۲-۳۶۷) تهدید گرم شدن زمین باعث حس اضطرار شدید شده و همچنین سؤالات تحریک‌کننده‌ای را درباره حیطه عمل درخور جرائم بین‌المللی بر علیه محیط زیست مطرح کرده است. مقاله حاضر با بررسی محدودیتهای پیدایش حقوق بین‌الملل کیفری محیط زیستی، به تبیین ابعاد توسعه بیشتر حقوق بین‌الملل کیفری جهت حفاظت از محیط زیست می‌پردازد و در پایان راجع به توسعه‌های احتمالی دیگر در رابطه با حقوق بین‌الملل کیفری محیط زیستی بحث می‌کند.

۱- موانع پیدایش حقوق بین‌الملل کیفری محیط زیستی جامع

باتوجه به بحثهای مستدل پیرامون جرائم بین‌المللی محیط زیستی سؤالی که به ذهن متبادر می‌گردد این است که چرا هنوز حقوق بین‌الملل کیفری محیط زیستی جامعی وجود ندارد؟ در این خصوص بایستی به این نکته اشاره کنیم که پیدایش چنین حقوق جامعی تابع چهار عنصر متفاوت است؛ این عناصر عبارتند از: حقوق بین‌الملل؛ رژیمی که تأکید روزافزون بر همکاری دارد اما از طرفی به طور سنتی بر اساس حاکمیت کشورها و برابری آنها شکل گرفته است، محیط زیست جهانی؛ یک مفهوم پیچیده و فراگیر که حفاظت از آن به عنوان متعلقات جهانیان مشکل‌ساز است، حقوق بین‌الملل محیط زیست؛ که شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی یا بیشترین ارتباط با حفاظت از محیط زیست است که شاید به طور غیرطبیعی تمایلی به جرم‌انگاری ندارد و حقوق کیفری؛ رژیمی با تأکید بر نظم عمومی، تقصیر فردی، و مجازات. (Elliott, 2012: 104-87)

۱-۱- ضعف دیپلماسی و فهم پیشگیری

نظم جهانی، همواره بر اساس عقل جمعی و همکاری‌های بین‌المللی شکل

تازه و موثری بخود می گیرد. اما این روند هر از گاه در مسیر حرکت خود کند می شود. از جمله اسباب آن می توان به مغایرت اصول عملکرد نظام بین المللی، تفاوت فاحش میان کشورهای شمال و جنوب و نگرش منفعت طلبانه ابرقدرت اشاره نمود. این شرایط و شرایط دیگر همواره مانعی بر جریان تصمیم ساز بین المللی در مسیر گردهمایی های کشورها و دولت ها بوده و به نوعی دیپلماسی را در مسیر ضعف قرار داده است. (Nicolas, ۲۰۲۱: ۲۳-۲۷) هر چند امروز این مسیر پرتلاطم و ملتهد سرانجامی بهتر از گذشته داشته است. از سوی دیگر همواره مخاطرات از جمله مخاطرات محیط زیستی دغدغه بسیاری از اصحاب فکر بوده و نسبت به آن گوشزدهای فراوانی شده است. اما در گذشته عمق تفکر نسبت به این مهم زیاد نبود و عملاً مخرب های محیط زیستی فعال تر از همیشه بوده و عملاً اصل جلوگیری اتفاق نیافتاده است. اما در حال حاضر نگاه پیشگیرانه تقویت گردیده ولیکن هنوز به سبب قدرت گرایی های جهانی، اصل حفاظت و حمایت از محیط زیست دچار اختلال است.

۲-۱- محدودیت های ناشی از حقوق بین الملل

اولین مورد در میان محدودیت های اصلی جرم انگاری بین المللی آسیب زدن به محیط زیست، محدودیت های کلی حقوق بین الملل عمومی من جمله وابستگی شدید اکثر کشورها به حق حاکمیت هستند و لذا مدت ها ساختار حقوق بین الملل عمومی را مانعی برای توسعه حقوق بین الملل کیفری و حقوق بین الملل محیط زیست دانسته اند. وقتی کشورها حس کنند اعمال مرتبطی در خاکشان به وقوع پیوسته فوراً به حق حاکمیت متوسل می شوند. روش حاکم بر نظم دهی به مشکلات محیط زیستی در حال حاضر شدیداً متکی به کشورها و لاقلاً تا حدودی متکی به سازوکارهای سنتی حقوق بین الملل مانند کنفرانسهای بین المللی، نهادهای بین المللی و اسناد بین المللی می باشد. بدیهی است که کشورها در مورد منافع خود در فکر ارتقاء حقوق بین الملل محیط زیست از طریق

مجازات‌های کیفری تصمیم‌گیرنده هستند اما تعجبی ندارد که خیلی از آنها از اقداماتی که باعث محدودیت بیشتر حاکمیت آنها بشود برحذر خواهند بود.

با نگاهی به دوره‌های شکل‌گیری حقوق بین‌الملل کیفری همچون دوره اول که با رویکرد بررسی خلافکاریهای برون‌مرزی عاملان شخصی مثل جرم قاچاق انسان، مواد مخدر، آثار هنری، گونه‌های حفاظت شده توسعه پیدا کرده است. دوره دوم جرائم بین‌المللی عمدتاً به روابط بین‌المللی و جرائمی که از عملکرد شایسته نظام بین‌المللی بازداري می‌کنند پرداخته است. سومین دوره از حقوق بین‌الملل کیفری بر نقش بنیادین خود به عنوان بخشی از پروژه‌های جهانی مرتبط با حفاظت از خود انسانها و نه کشورها تأکید دارد، جرائم در این دسته نسل‌کشی و جرائم بر علیه بشریت هستند، به سختی می‌توان دریافت که جرائم محیط زیستی در گروه‌های فعلی جرائم بر علیه بشریت جا بگیرند. (جلالیان و دیگران، ۱۳۹۷: ۹-۳۴)

ایده وقوع جرم بین‌المللی در صورتی که به وجدان بشریت شوک وارد کند ایده مبهمی است. حمله به محیط زیست به عنوان مقوله‌ای مشخص وجدان بشریت را شوک زده نمی‌کند؛ ممکن است بعضی حملات چنین باشند و برخی دیگر نباشند و وارد آوردن این شوک به مخاطبین بستگی دارد و مهم‌تر اینکه مبانی موجود حقوق بشری حقوق بین‌الملل کیفری قطعاً انسان‌محور هستند. لذا این شاخه از حقوق بین‌الملل کیفری اصلاً توجهی به محیط زیست ندارد و یا فقط تا حدی که از نحوه آسیب‌رسانی مستقیم به جمعیت‌های قابل شناسایی تأثیر بپذیرد به آن توجه دارد. (پورهاشمی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۶۷-۱۸۲)

اما بررسی آسیب‌های محیط زیستی به عنوان آسیب تشکیل دهنده جرائم بین‌المللی مشکلاتی را در پی دارد زیرا آنها به سهم خود کیفری نیستند بلکه دلایل آن است که با قدری دستکاری می‌توان آنها را در دسته جرائم دیگری جا داد. اولاً؛ این حرکت چندان انسان‌محور نیست و می‌تواند تا آنجا که امکان دارد توانایی ما برای ارزیابی حملات

فرآگیرتر به محیط زیست را که بلافاصله بر انسانها تأثیرگذار نیستند اما ذاتاً برای محیط زیست خطرناک می‌باشند کاهش دهد. ثانياً؛ جرائم بین‌المللی موجود در بهترین حالت بخش کوچکی از آسیب‌های محیط زیستی را حتی در میان جرائمی که سرمنشأ نابودی انسانها هستند، به خود اختصاص می‌دهند. ثالثاً؛ جرائم بین‌المللی سنتی معمولاً اثبات عناصر پیچیده را که ارتباط زیادی با انحطاط محیط زیست ندارند می‌طلبند که امکان دارد احتمال تعقیب موفق را شدیداً کاهش دهد. رابعاً؛ انتظار کشیدن برای رسیدن انحطاط محیط زیست به سطح نسل‌کشی، قبل از تعقیب جرم باعث بالا رفتن شدید آستانه و کاهش تأثیر حقوق کیفری در بازداري از چنین جرائمی می‌شود. (Hamilton, ۲۰۲۱: ۴۷-۴۹) و بالأخره اینکه مشکلات ذاتی در نظم‌دهی بین‌المللی باعث تحمیل دوراهی‌های خاص بر هرگونه اقدام به حفاظت از محیط زیست از طریق حقوق کیفری می‌شوند. حرکت زود هنگام به سوی جرم‌انگاری می‌تواند به جای تقویت هنجارهای اساسی نقاط ضعف آنها را برملا کند.

۳-۱- محدودیت‌های ناشی از محیط زیست

محیط زیست یک مفهوم کلی بسیار پیچیده که باعث ایجاد چالش‌های خاصی برای حفاظت می‌شود. آسیب رساندن به محیط زیست خود باعث ایجاد یک سری مشکلات بی‌کیفری می‌شود. این مشکلات در اصل حاکمیتی و سیاسی نیستند و ممکن است ابعاد خصوصی و اقتصادی داشته باشند. این ممکن است سبب بی‌کیفرماندن جرائم محیط زیستی گردد. گسترش جغرافیایی آسیب وارده به محیط زیست هم یک عامل دیگر در رواج یافتن بی‌کیفری است زیرا به خوبی مشخص نیست چه کشوری باید مسئول تعقیب باشد. به هر ترتیب، اشتراکی کردن محیط زیست جهانی باعث ایجاد انگیزه برای جرم‌انگاری چند ملیتی می‌شود. در واقع اگر حقوق بین‌الملل کیفری محیط زیستی توسعه پیدا می‌کرد و حفاظت از محیط زیست در برابر آسیب شدید را تضمین می‌نمود

احتمالاً به یک دستگاه جهانی چشمگیر، بسیار جامع‌تر و قدرتمندتر و ذاتاً سرکوبگرتر از دیوان کیفری بین‌المللی نیاز داشت. (مک کالیون ترجمه زاهدین لباف، ۱۳۸۳: ۱۷۱-۱۸۵)

ابهام بنیادین درباره محیط زیست وجود دارد که اغلب از حفاظت آن بازداری می‌کند. محیط زیست می‌تواند یک منفعت همگانی باشد اما در وهله اول به عنوان یک منبع به آن نگاه کرده‌اند زیرا انقلاب صنعتی شکل گرفت و گسترش پیدا کرد. در مجموع تجاری‌سازی طبیعت، ناتوانی عوامل بازار در محدودسازی مصرف بی‌رویه منابع احیانشدنی و نقش شرکتهای چندملیتی در انحطاط محیط زیست موقعیتهای بسیار خطرناکی را برای محیط زیست به وجود می‌آورند. بنابراین انحطاط محیط زیست علاوه بر اینکه مشکلی در هماهنگ‌سازی بین کشورها محسوب می‌شود مشکلی برای عملی شدن سرمایه‌داری و ناتوانی جامعه بین‌الملل در تحت نظم‌آوران آن به منظور حفظ منافع بنیادین به شمار می‌رود. نتیجتاً اقدام به حفاظت از محیط زیست از طریق روشهای کیفری ارتقاء یافته قطعاً با منافع اقتصادی و صنعتی پر قدرت جهان که اغلب تأثیر بسزایی روی کشورها و سازمانهای بین‌المللی دارند، در تضاد خواهد بود. به عبارتی مسئله حقوقی بین‌الملل کیفری محیط زیستی نه تنها در میان خود کشورها بلکه در بین کشورها در برابر عاملان اقتصادی جهان که در عدم نظم‌دهی محیط زیست جهانی ذینفع می‌باشند یک معضل به شمار می‌رود. (Pires and Lynch, 2019: 45-49)

محیط زیست حوزه پرچالشی برای حقوق بین‌الملل کیفری است زیرا آسیب‌های محیط زیستی به طور پراکنده بسیاری از حوزه‌های انتخاباتی را متأثر می‌سازند. طراحی یک ساز و کار چند ملیتی برای جرم‌انگاری آسیب فاحش به محیط زیست به میزان بی‌سابقه‌ای از وحدت جهانی نیاز دارد. حقوق بین‌الملل محیط زیست واکنش دیرینه جامعه بین‌الملل به این چالشها بوده اما جامعه بین‌الملل در حرکت به سوی راهکارهای کیفری تمایلی نشان نداده است.

۴-۱- محدودیت های ناشی از چارچوب قانونی موثر

حقوق بین الملل محیط زیست، ماهیت چالش های محیط زیستی در تحت نظم درآوردن آسیب محیط زیستی را به گونه ای پیش برده که الزاماً به پیدایش رژیم حقوق بین الملل کیفری منجر نمی شود. این رویکرد با آنچه به نظم محیط زیستی معروف است، رقابت می کند که از طرفی نیز با آنچه می تواند رژیم قهرآمیزتر مجازات کیفری باشد در تنش است. نظم محیط زیستی معمولاً مسامحه کاری و غفلت را هدف قرار می دهد و چنین رویکردهایی الزاماً نادیده گرفتن مسائل مرتبط با مسئولیت را از طریق غیرضروری دانستن اثبات غفلت پیشنهاد می کنند. در اصل عده ای از حقوق دانان محیط زیست از ادغام کردن حقوق کیفری با امور محیط زیست بر مبنای این نگرانی پرهیز کرده اند که حقوق کیفری نمی تواند خصوصیات منحصر به فرد حقوق محیط زیست را به مثابه یک پروژه آرمانی، پویا و پیچیده به حساب آورد. (جام بزرگ و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۵۷-۲۷۸)

محیط زیست بین المللی از طریق حقوق بین الملل محیط زیست حفاظت می شود و به هویت و اولویت های خاص خود توسعه داده است و این طبیعتاً به درد قالبهای حقوق کیفری نمی خورد. از این رو، رویکرد کلی حقوق بین الملل محیط زیست تا به امروز پرهیز از مسائل مسئولیت کیفری و اتکا به رویکردهای میانه رو به نظم محیط زیست بین المللی بوده است. بنابراین راه حل های پیش بینی شده در این عرصه معمولاً اداری، پیشگیرانه، اختیاری، توافقی، آینده نگر و طرفدار نظم هستند. براساس این الگو وظیفه حقوق بین الملل تسهیل و ترویج همکاری بین المللی به جای الزامی کردن آن است. حقوق براعتمادسازی، پیروی، خود گزارش دهی، شفافیت، مذاکره، متقاعدسازی، و مرور بازنگری تأکید دارد. اقدام یکجانبه برای حفاظت از محیط زیست گاهی به عنوان راهکاری نه چندان بد و اقدام نهایی معرفی می شود. (حیدرزاده و مظفری زاده، ۱۳۹۲: ۱۶۳-۱۹۲)

دنیای حقوق بین الملل محیط زیست میل دارد بیشتر قانونمند و فن سالار و

مثلاً متمرکز بر دستکاری عوامل اقتصادی تعیین‌کننده رفتار تأثیرگذار بر محیط زیست و مسئولیت جامع کشورها باشد در حالیکه دنیای حقوق بین‌الملل کیفری میل دارد تقصیر فردی، بی‌اخلاقی و خطاکاری فاحش را مورد تأکید قرار دهد. اینها عملاً محیط‌هایی حرفه‌ای هستند که جدا از هم پدیدار شده‌اند و کماکان یکدیگر را نادیده می‌گیرند. لذا ماهیت نظم محیط زیستی هم به خاطر نااطمینانی پیرامون برخی از داده‌های علمی باعث دشواری قانونگذاری و قضاوت کیفری در سطح جهانی می‌شود. هرچند ممکن است کشورها مایل به پذیرفتن مثلاً اصل احتیاط به عنوان نوعی رهنمود جامع سیاستی باشند اما احتمال اینکه چنین اصلی را به عنوان مؤلفه مسئولیت کیفری بپذیرند بسیار کم است. حتی امکان دارد استدلال‌هایی بدین مضمون مطرح شوند که نیاز به تخصصی‌تر کردن حقوق بین‌الملل محیط زیست به منظور ادای اصل قانون‌مندی می‌تواند بعضی سوءتفاهم‌های سازنده در پایه و اساس نظم محیط زیستی را برملا سازد و این به نوبه خود توسعه پویایی آن را بی‌اهمیت جلوه می‌دهد و کلاً با خصوصیات منحصر بفرد این حوزه تناقض دارد. (احمدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۳-۸۸)

۵-۱- محدودیت‌های ناشی از حقوق کیفری

بسیاری از خصوصیات حقوق کیفری به عنوان یک پروژه اجتماعی، فکری و حقوقی نیز می‌توانند محدودیت‌هایی را بر توسعه رژیم قوی حقوق بین‌الملل کیفری محیط زیستی تحمیل کنند. اولاً؛ متمایز بودن آسیب محیط زیستی از آسیب‌های دیگر که از دیرباز توسط حقوق کیفری تجویز شده مشکل آفرین است. تفاوت اصلی با جرائم دیگر مثلاً دزدی یا قتل این است که بیشتر فعالیت‌های آلوده‌کننده نه تنها برای جامعه هزینه‌هایی را به بار می‌آورند بلکه سود بسیاری هم دارند. این به وضوح برخلاف جرائم کیفری بین‌المللی موجود است. (کشکولیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۰۱-۱۱۰) مثلاً در چارچوب جرائم علیه بشریت هیچ اقدام اشتباهی به خاطر یک عمل سودآور وجود ندارد. اما

بالعکس بعضی از اعمالی که تأثیر منفی بر محیط زیست دارند می‌تواند گونه‌ای تقریباً غیرقانونی از اعمال قانونی باشند. در دنیایی که بخش عمده اقتصاد بر پایه تخریب و نابودی منابع طبیعی استوار است تمایز قائل شدن بین تخریب قانونی و غیرقانونی در درساز است. مشکل متمایزکردن آلودگی قانونی از آلودگی غیرقانونی، و نسبیتی که ظاهراً در ذات این ارزیابی وجود دارد باعث می‌شوند حقوق بین‌الملل کیفری محیط زیستی مانند مقیاسی بی‌ثبات به نظر برسد که همواره هزینه-سود هر فعالیت را مکرراً ارزیابی می‌کند.

ثانیا؛ ویژگی پراکنده آسیب وارده به محیط زیست می‌تواند هرگونه اقدام برای هماهنگ کردن خسارت محیط زیستی بانظریه آسیب را که به‌کانون اصلی حقوق کیفری امروزی تبدیل شده پیچیده و دشوار سازد. معمولاً آسیب محیط زیستی چند سطحی است و در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی وجود دارد اما طوری که فوراً هویدا نمی‌شود. هرچند هرگام افزایشی به تنهایی به سمت یک فاجعه محیط زیستی بزرگ نسبتاً قابل اغماض است اما مجموع چنین گامهایی قابل تأمل می‌باشد.

ثالثاً؛ مجرمیت اشتراکی در برخی حملات به محیط زیست نیز در برقراری حقوق بین‌الملل کیفری محیط زیستی مشکلاتی را به وجود می‌آورد. در صورت خسارت شدید محیط زیست جهانی امکان دارد مسئولیت آنقدر چندسویه باشد که حقوق کیفری در تحدید حدود آن دچار مشکل بشود. هرچه زمان بیشتری سپری شود احتمال بیشتری وجود دارد که آن آسیب دستاورد اعمال افراد و عوامل عدیده‌ای باشد. همین باعث بروز مشکلات مهارنشدنی زنجیره علی می‌شود که در آن آسیب وارده توسط یک عامل از آسیب عامل دیگرتمایزناپذیر است و یا عده بسیار معدودی با خطر خودسرانگی یا عده بسیارزیادی به قیمت فهم‌پذیری و تأثیر حقوق کیفری جوابگو و مسئول شناخته می‌شوند.

رابعا؛ امکان دارد آسیب محیط زیستی به جای رفتارعامدانه ناشی ازاهمال کاری

و غفلت باشد. مسئولیت کیفری در برابر اهمال کاری به طور معمول مسائل انصاف واقعی در حق متهم را پیش می‌آورد زیرا رفتار او اگر با حسن نیت بوده باشد سزاوار اشد مجازات نخواهد بود. هرچند حقوقدانان محیط زیست از حقوق کیفری داخلی به خاطر سنگین دستی آن با توجه به پیچیدگی مقررات محیط زیستی بر حذر بوده‌اند.

۲- قابلیت موجود برای حقوق بین‌الملل کیفری محیط زیستی جامع

در بحث پیش رو، هدف استنتاج از فراسوی تعاریف موجود برای جرائم بین‌المللی محیط زیستی و پیش‌بینی آینده توسعه‌های احتمالی در این زمینه از دیدگاه جامع حقوقی و سیاسی می‌باشد. جرم‌انگاری بین‌المللی معمولاً به یکی از دو احتمال موجود اشاره دارد: (۱) تعهد بین‌المللی کشورها در برابر جرم‌انگاری داخلی برخی تخلفات و در نتیجه بهبود همکاری کیفری بین‌المللی و ایجاد رویکردی هماهنگ به حفظ ارزشهای معنی‌دار جهانی یا (۲) احتمال اینکه جامعه بین‌الملل حداقل به طور موردی و براساس (الف) وخامت تخلفات، (ب) ویژگی چندملیتی آنها، و یا (ج) عدم تمایل یا ناتوانی کشورها در تعقیب این تخلفات رژیم اجرای چندملیتی حقوق کیفری را یا به طور غیرمتمرکز (صلاحیت جهانی) یا به طور متمرکز (محاکم کیفری بین‌المللی) دایر کند. این دو مسیر تا جرم‌انگاری بین‌المللی سؤالات مشابهی را از نقطه نظر کلی جرم‌انگاری در سطح بین‌المللی پیش می‌آورند. اینکه چه عملی باید در سطح بین‌المللی جرم‌انگاری شود بسیار پیچیده‌تر از آن است که تصور می‌کنیم. هر استدلال و بحثی که جرم‌انگاری را نوعی واکنش به مصیبت‌های بین‌المللی معرفی کند باید دو موضوع زیر را مورد بررسی قرار دهد: (۱) اصلاً چرا جرم‌انگاری؟ و (۲) چرا جرم‌انگاری بین‌المللی؟ نشان دادن علاقمندی جامعه بین‌الملل به عدم بروز رفتارهای خاص کفایت نمی‌کند. (Favarin, Aziani, 2020: 351-383) جامعه بین‌الملل به مسائل و موضوعات عدیده‌ای علاقمند است و انواع زیادی از رفتار را منع کرده اما الزاماً جرم‌انگاری نکرده است.

۲-۱- استدلال به نفع جرم‌انگاری

مبانی نظری جرم‌شناسی جهت حفاظت از محیط زیست یعنی جرم‌شناسی سبز مطرح گردیده است. شناخت بهتر وابستگی چگونگی انحطاط محیط زیست به الگوهای خاص مجرمیت یکی از متعدد گام‌های ارزیابی بهتر تأثیرگذاری واقعی جرم‌انگاری است. در سطح بین‌المللی طرفداران نظم میانه‌رو به سادگی استدلال می‌کنند که وضع موجود کفایت می‌کند، یا جرم‌انگاری اوضاع را بدتر می‌کند. معهذا رویکرد میانه‌رو محدودیتهای بیشماری دارد. از جنبه داخلی چارچوب‌هایی که صرفاً از طریق انگیزه و مشوق عمل می‌کنند و سوءظن به اینکه حکومت‌ها اغلب وظیفه حفاظت از محیط زیست را به عهده نمی‌گیرند باعث ایجاد استیصال شده‌اند. در این راستا، رسیدگی به آسیب محیط زیستی به خاطر هزینه‌های گزاف توأم با شکایات مرتبط با صدمه و خسارت و به خاطر وابستگی ایش به ابتکارات خصوصی که باعث نااطمینانی به آن شده یک روش کارآمد محسوب نمی‌شود. مشکل دیگر در اتکای افراطی به جبران خسارات این است که در بسیاری از موارد به دلیل پراکندگی آسیب محیط زیستی هیچ شخص یا گروه خاصی دچار خسارت کافی برای اقامه دعوای شخصی نمی‌شود. در سطح بین‌المللی بر خلاف سطح داخلی نه تنها جبران خصوصی به ندرت وجود دارد بلکه همان موارد نادر جبران خصوصی با موانع بسیار مهمی مواجه هستند که هزینه‌اش را فرد شاکی آنهم در صورت ضرر مالی کلان باید متقبل شود. (نصراصفهانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۷۳-۳۰۴)

مسئولیت بین‌المللی کشورها یک واکنش ممکن به آسیب‌های شدید محیط زیستی معرفی شده و مورد ستایش قرار گرفته است. معهذا علیرغم ازسرگیری توجه و علاقمندی به مسئولیت بین‌المللی در برابر آسیب بین‌المللی محیط زیستی و توسعه حل اختلاف بین‌المللی محیط زیستی (توسط دیوان بین‌المللی دادگستری و از طریق داوری و همینطور گات (توافقنامه عمومی در خصوص تعرفه‌ها و بازرگانی) مسئولیت در برابر چنین آسیب‌هایی بازهم مستثنیاتی دارد. حل اختلاف بین کشورها فقط برای مواردی مناسب

است که یک کشور از نظر طلب جبران خسارت به طور واضح و تاحدودی فردی ذینفع باشد که الزاماً همیشه اینطور نیست. حداقل با وجود آسیب زیانبار و عمداً خصمانه‌ای که به محیط زیست وارد می‌شود به چیزی فراتر از تأکید رژیم موجود بر مسئولیت مدنی یا کشوری نیاز داریم. از این جهت محیط زیست به شکل قابل بحثی میزانی از انحطاط واقعی را تجربه کرده که آنقدر شدید بوده تا بتواند تقبیح کیفری را توجیه کند.

به علاوه آسیب محیط زیستی، شاید به طور طبیعی‌تر از هر آسیب دیگری میل ترکیبی خاصی با ساختار حقوق کیفری دارد. دیدگاه سنتی در حقوق کیفری آن است که جرائم در وهله اول نقض نظم عمومی یک کشور هستند حتی اگر هدف آنها بزه دیدگاه خاصی بوده باشند. در مورد جرائمی مثل قتل، تجاوز به عنف یا دزدی که بزه دیده مستقیم دارند ایده جرم بر علیه کشور احتمالاً تخیلی است. اما بسیاری از جرائم محیط زیستی می‌توانند جرمی باشند که در اصل بر علیه جامعه یا بخشی از جامعه و بدون بزه دیده قابل شناسایی واقع می‌شوند. فقدان بزه دیده مستقیم آسیب محیط زیستی و این واقعیت که تعداد انگشت‌شماری اقدام به شکایت قانونی می‌کنند احتمال پیدا کردن مرتکب جرم و مسئول دانستن وی را کاهش می‌دهد. در ضمن بعضی از جرائم محیط زیستی مثلاً جرائم مشتمل بر قاچاق جرم اقتصادی هستند که مبادله کالا توافقی می‌باشد پس به ندرت بزه دیده‌ای وجود دارد که اقدام به شکایت قانونی کند و لذا ایجاب می‌کند که دولت بار اجرا را به دوش بکشد. (جلالین، ۱۳۹۹: ۱۳۳-۱۴۶)

به هر حال چالش ایجاد کردن یک حقوق بین‌الملل کیفری محیط زیستی ایجاد رابطه بین قصد ارتکاب جرم یا بدنامی و مجازات جرائم تعیین شده به طریقی است که هوشمندانه تفاوت‌های ظریف تقصیر و گناهکاری را متمایز کند. مثلاً مجازات جرائم محیط زیستی به طور مشابه و بدون در نظر گرفتن اینکه عمدی، کورکورانه ارادی، بی احتیاطانه یا بی‌مبالات بوده‌اند آشکارا خطاست. در نهایت امکان دارد جرائم کیفری بین‌المللی محیط زیستی قرینه جرائم قانونی داخلی باشند. یعنی جرائمی که هدفشان مدیریت

کردن ریسک در یک جامعه پیچیده و مرکب به جای نشان دادن یک بینش اخلاقی قوی است. در چنین مواردی مجازات باید به شکل متناظر مخفف‌تر از زمان ارتکاب عمدی جرم باشد (قصد ذهنی ارتکاب جرم). حقوق بین‌الملل قبلاً حرکتی پیوسته به سمت ملزم کردن کشورها برای جرم‌انگاری جرائمی داشته که نسبت به نسل‌کشی یا جرائم بر علیه بشریت چندان فاحش نیستند. (مثل فساد اخلاقی، تروریسم، و قاچاق مواد مخدر). هیچ قاعده‌ای وجود ندارد که بگوید حقوق بین‌الملل نمی‌تواند در جهت به کارگیری معادل جرائم قانونی داخلی حرکت کند.

در حقوق داخلی خیلی از کشورها سابقه تعقیب کیفری به خاطر ایجاد آلودگی دارای اثر بسیار اساسی از جنبه بازدارندگی، و تقویت سیستماتیک دیگر زمینه‌های پیروی معرفی شده است، که لاقط زمانی صادق است که جریمه نقدی نه تنها با آسیب وارده تناسب دارد بلکه به قدر کافی بازدارنده هست که فقط به عنوان هزینه کسب و کار شرکتها درونی ساز نشود. پس در یک سطح بخصوص، مجازات کیفری لازمه موفقیت وعده‌های تمام رژیم‌های عمدتاً ممنوعیت‌گرا می‌باشد. فقدان مجازات کیفری نهایی در موارد نقض فاحش حقوق بین‌الملل محیط زیستی اجرای این هنجارها را به خود عاملان واگذار می‌کند که به عبارتی بدین معناست که اجرا باید مبتنی بر منافع مالی و تحلیل سود هزینه اقتصادی دخیل در شرکت کردن در انواع خاصی از فعالیت‌ها باشد. به هر ترتیب، حقوق کیفری قالبی از نهادینه‌سازی بالغ و کامل است که نگرانی در مورد کاستی همکاری‌ها را با افزایش هزینه تجاوز و تخطی‌گری برای متخلفین کاهش می‌دهد. (UNEP and Interpol, ۲۰۱۷: ۳۷)

هرچند پیدایش یک حقوق بین‌الملل کیفری جامع مرتبط با محیط زیست به زحمت یک نتیجه‌گیری قطعی است اما از جنبه فنی راه‌اندازی دامنه‌ای از جرائم بین‌المللی بر علیه محیط زیست امکان‌ناپذیر نمی‌باشد. در حال حاضر حقوق بین‌الملل محیط زیست استفاده قانونی از محیط زیست را از استفاده غیرقانونی آن متمایز کرده و

دلیلی ندارد که فکر کنیم قادر به متمایز کردن جرائم بین‌المللی نیست. به علاوه کثرت تعداد مرتکبین جرم هم مسئله تازه‌ای در حقوق بین‌الملل کیفری نیست. در واقع هر پرونده نسل‌کشی که هم در سطح داخلی هم در سطح بین‌المللی تحت تعقیب قرار گرفته مشتمل بر معماهای چالش‌انگیزی در خصوص نحوه ارزیابی تقصیر نسبی سردمداران و مجریان عادی بوده است. هرچند حقوق بین‌الملل کیفری محیط زیستی مسائل بغرنج و غامضی را پیش می‌آورد اما می‌توان از طریق استراتژی کالبدنما و تشریح‌کننده، روشهای انتساب مسئولیت و صدور حکم مجازات درخور به همان روشی که عده‌ای به طور داخلی از اشکال اجرا به تناسب جرم حمایت کرده‌اند با آنها مقابله کرد. (Van and Uham, ۲۰۲۰: ۲۰-۱)

۲-۲- بحث و استدلال‌های موافقان بین‌المللی کردن

موضوع کوتاه‌دستی دولت در امور مردم و به ویژه امور اقتصادی می‌تواند تأکید کند که کشورها دیر یا زود رفتار متضاد با منافع خود را جرم‌انگاری و تعقیب خواهند کرد و تا جایی که احتمال منطقی برای مداخله جامعه بین‌الملل وجود نداشته باشد نباید وارد عمل بشود. در حال حاضر جامعه بین‌الملل به طور غیرمستقیم از مجازات دامنه‌ای از جرائم محیط زیستی توسط نظام حقوقی داخلی منتفع می‌شود زیرا این اقدام به نظم بین‌المللی و حفاظت جهانی از محیط زیست کمک می‌کند. جامعه بین‌الملل می‌تواند گزینه‌ای را که کمترین اخلاق را به وجود می‌آورد انتخاب کند یعنی ملزم کردن کشورها به جرم‌انگار رفتاری خاص (مثلاً از طریق عقد معاهده) بدون ذکر نام واقعی یک عمل خاص به عنوان جرم بین‌المللی.

با این توصیف، مطالعه حقوق بین‌الملل و حفاظت بین‌المللی محیط زیستی در برابر واگذاری مسئولیت تام و انحصاری در اختیار کشورها هشدار می‌دهد. بین‌المللی کردن مجازات با توجه به عدم انگیزه کشورها برای اعلام قانونگذاری کیفری داخلی به

منظور حفاظت از محیط زیست و باتوجه به عدم تمایل کشورها برای اجرای آن یک اقتضای کارکردی می‌باشد. لذا مهم‌ترین انگیزه برای تشکیل رژیم‌های ممنوعیت بین‌المللی بی‌کفایتی معیارهای یکجانبه و دوجانبه اجرای حقوق در مواجهه با فعالیتهای مجازات‌پذیر برون مرزی است. (White, ۲۰۲۰: ۶۷-۷۷)

کشورها با ابزارهای خاص خود احتمالاً یا در جرم‌انگاری قصور خواهند کرد یا برطبق شروطی که عدالت شایسته را در حق وخامت جرائم مربوطه ادا نمی‌کنند اقدام به جرم‌انگاری خواهند کرد، یا جرم‌انگاری را به روشی عملی خواهند کرد که با رویکرد اتخاذی کشورهای دیگر ناسازگاری دارد و لذا به ممانعت از همکاری منجر می‌شود. حتی اگر کشورها اقدام به جرم‌انگاری کرده باشند بازهم به شکل فعال قوانین وضع شده را به اجرا در نمی‌آورند.

علاوه بر اینها حتی اگر هر کشور به طور مستقل جرم‌انگاری کند وجود قوانین محیط زیستی متفاوت انگیزه‌هایی را برای تبدیل محیط زیست به زباله‌دانی ایجاد می‌کند. ماهیت غالباً برون مرزی و حتی جهانی بسیاری از جرائم محیط زیستی با تشدید مسئله رقابت بین حوزه‌های قضایی می‌شود. همین امر باعث افزایش این احتمال می‌شود که اعمال صلاحیت یک کشور باعث استیصال در حفظ نظم عمومی کشور دیگر بشود؛ و از طرف دیگر امکان خطر محکومیت مضاعف و اتلاف بالقوه منابع دادرسی را افزایش می‌دهد. این خطر هم‌اکنون در بعضی از کشورهای فدرال که تعقیب و دادرسیهای متداخل باعث ایجاد تنش فراوان می‌شوند هویدا است. ایجاد جرائم بین‌المللی محیط زیستی مشترک باعث تقویت همکاری قضایی و افزایش احتمال رویه‌های قضایی مانند استرداد مجرم می‌شود. در حقیقت فقدان جرائم محیط زیستی چند ملیتی مناسب باعث ایجاد شرایطی برای مطالبه حق صلاحیت داخلی می‌شود که کشورها به وسیله آن ظرفیت حفاظتی یا درون مرزی خود را برای پرداختن به امر تعقیب به فراسوی حدودی که در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده‌اند تعمیم می‌دهند. هرچند در غیاب هر

احتمال دیگر برای اجرا، از چنین صلاحیتی استقبال موردی می‌شود اما این صلاحیت می‌تواند تنشهایی را تحت حقوق بین‌الملل ایجاد کند. (Milous and Kess, 2014: 87-97)

علاوه بر بحث و استدلال‌های کارکردی درباره بی‌کفایتی روشهای داخلی، بخشی از مطالبه مشروعیت حقوق بین‌الملل کیفری محیط زیستی حاصل از این برداشت است که این حقوق با مشکلات ذاتاً بین‌المللی مقابله می‌کند. اکثر آسیبی که به محیط زیست وارد می‌شود ماهیتی بین‌المللی یا چند ملیتی دارد که نمونه‌ای از آن دفع زائدات غیرقانونی برون مرزی است که می‌تون گفت در صدر آسیبهای دیگر قرار دارد. در حقیقت امکان دارد کسی استدلال کند این دفع زائدات مشخصاً یک پدیده برون مرزی و چندملیتی است چراکه می‌خواهد برای به حداکثر رساندن سود خود از اختلافات موجود در حقوق زیست محیطی کشورها سوءاستفاده کند. معمولاً استدلال به نفع بین‌المللی کردن یک موضوع محتوای خاص این است که پای چیزی در بین است که واگذاری کامل امور به کشورها و حقوق داخلی آنها حتی اگر به طرز متقاعدکننده‌ای قادر به تقبل و اجرای این وظیفه باشند برای جامعه بین‌الملل شدیداً جدی و حائز اهمیت است به طوری که با واگذاری کامل امور ذیربط به کشورها مخالف است. آستانه هنوز بالاست و کشورها فقط در صورت احساس ضرورت اقدام به بین‌المللی کردن جرائم خواهند کرد. (Pires, 2019: 45-49)

بحث و استدلال‌های متفاوتی به نفع بین‌المللی کردن حقوق کیفری (یا جزائی کردن حقوق بین‌الملل عمومی) براساس اصطلاح سرسری مطالبه حق صلاحیت مطرح شده‌اند. که از تعدادی از آنها می‌توان در بافت آسیب محیط زیستی استفاده کرد. پایه و اساس چندملیتی یا برون مرزی عمده آسیب محیط زیستی (مثلاً آلوده سازی برون مرزی) انگیزه‌ای را برای کار زود هنگام روی حقوق بین‌الملل کیفری محیط زیستی پدید آورده است. خیلی از جرائم محیط زیستی موجود با داد و ستد بین‌المللی محصولات و

فرآورده‌هایی مانند داد و ستد غیرقانونی در حیات وحش، چوب درختان، کاهنده اوزون، و مواد شیمیایی در ارتباط هستند. تعدادی دیگر با انتقال برون مرزی زائدات خطرناک یا سوخت قاچاق یا بهره‌برداری غیرقانونی از مناطق بین‌المللی (مثلاً ماهیگیری برخلاف مقررات ماهیگیران منطقه و قیمت‌شکنی غیرقانونی نفت) در ارتباط هستند. این مبنای چند ملیتی یا به عبارتی برون مرزی مخصوص جرم‌انگاری بیشتر در اثر دخالت شرکت‌های چند ملیتی یا شبکه‌های جنایی سازمان یافته در ایجاد چنین آسیب‌هایی موجه می‌شود. به علاوه هرچند مشکلات محیط زیست صرفاً مشکلی در بین کشورها نیستند اما یک کشور می‌تواند آسیب محیط زیستی را به کشور دیگر وارد کند یا حداقل باعث ایجاد اصطکاک و تنش بین کشورها بشود. در پایان لازم به ذکر است که تأثیر آسیب محیط زیستی بر حقوق بشرو قابلیت آن برای خشونت سیاسی تشخیص داده شده است. از اینها گذشته برخی آسیب‌ها مثل سرریز حجم عظیم نفت می‌تواند دارای اثر شوکه‌کننده‌ای برای بشریت باشد که نقطه عطفی برای بدترین جرائم بین‌المللی شده است. (Kess, Milous and 2014: 87-97)

آسیب فاحش به محیط زیست شامل عناصر عادی است که به طور تاریخی به پیدایش جرائم بین‌المللی انجامیده‌اند یعنی به شکل برون مرزی واقع می‌شوند، منافع حاکمیت اصلی را متأثر می‌سازند و یا حقوق بشر اساسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. جالب اینکه پیشنهاداتی مبنی بر ایجاد یک جرم خاص به نام تروریسم محیط زیستی به طور قیاسی با جرائم تروریستی موجود مطرح شده‌اند. معه‌ذا فاحش‌ترین جرائم محیط زیستی مخصوصاً آنها که محیط زیست جهانی را متأثر می‌کنند دقیقاً برون مرزی، بین کشوری، یا جهان شهری نیستند بلکه باید آنها را به عنوان عضوی از دسته جدید جرائم جهانی بشناسیم که شرایط زندگی اشتراکی جهانی را تهدید می‌کنند. لذا عدم پیگیری بین‌المللی ممنوعیتهایی که به کشورهای خطابی شده‌اند که مجازات‌های کیفری را خطاب به اشخاص در نظر گرفته‌اند فقط وانمود می‌کند که از محیط زیست حفاظت می‌شود.

(67-77:2020,White)

۳-۲- بحث و استدلال‌های موافقان جرم‌انگاری بین‌المللی

انبوه اقدامات برای جرم‌انگاری داخلی می‌توانند به یک اصل عمومی حقوق به رسمیت شناخته شده توسط کشورهای متمدن منجر شوند. که به نوبت جامعه بین‌الملل را ملزم می‌کند آن را به رسمیت بشناسند. شاید این استدلال به عنوان استدلالی اکیداً حقوقی بیش از حد دست‌اندازی کند اما تردیدی وجود ندارد که در عمل باعث تقویت مشروعیت تلاش برای جرم‌انگاری بین‌المللی می‌شود که خیلی از کشورها مشابه داخلی‌اش را برگزیده‌اند. تلاش‌هایی که برای جرم‌انگاری بین‌المللی بیشتر به عمل می‌آیند می‌توانند از ارتباط رو به افزایش محیط زیست جهانی با نظم عمومی در هر دو سطح داخلی و بین‌المللی هم‌کمک بگیرند. رابطه محکمی بین حفاظت از محیط زیست و بعضی ارزشهای بنیادین دیگر در نظام بین‌المللی قرار شده که در نهایت شرح حال آن ارتقاء می‌دهد. لذا هر روز بیشتر از قبل مشخص می‌شود که محیط زیست با حفظ حیات بشر و بعضی ارزشهای انسانی اساسی پیوند دارد. از این جهت، رابطه محکم با حقوق بشر یکی از انگیزه‌های بزرگ که باعث رشد حقوق بین‌الملل کیفری شده از جمله امید بخش‌ترین روابط است ولو اگر کسی از این رویکرد به دلیل انسان‌محور بودن افراطی انتقاد کند. تشخیص اینکه حفاظت از محیط زیست کلید توسعه است و بالعکس، محیط زیست تخریب شده رابطه تنگاتنگی با فقر دارد می‌تواند یکی از نیرو محرکه‌های جرم‌انگاری بیشتر باشد. تا جایی که جرم‌انگاری حملات فاحش به محیط زیست در دام ارتباط انحصاری با این ارزش‌گرفتار نشود هر چه قویتر ظاهر خواهد شد، در واقع در یک سطح بخصوص تمامیت محیط زیست برای شرایط اساسی حیات بشر در کره زمین آنقدر اهمیت پیدا می‌کند که امید به اینکه روزی قلب نظم عمومی جهانی را بسازد، موجه خواهد شد. (El-

(87-104:2012, liott)

ماهیت هرچه همگانی‌تر تعهدات محیط زیستی هم نشانه خوبی از نزدیک بودن جرم‌انگاری بین‌المللی است. هرچند نمودهای مفهوم «نسبت به همگان» - تعهد نسبت به جامعه بین‌الملل به عنوان واحد کلی - به طرز مشخصی گنگ هستند اما تعهد در قبال حفاظت همیشگی از محیط زیست گزینه خوبی است زیرا دقیقاً محیط زیست به همگان تعلق دارد و آسیب زدن به آن می‌تواند چندین کشور یا حتی اکثر کشورها را متأثر سازد. (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۰: ۱۹۹-۲۲۵)

به علاوه حفاظت از محیط زیست به عنوان ارزشی معرفی شده که تخطی از آن باعث ایجاد تخلفی با ویژگی کیفی در سطح جهانی می‌شود. مثلاً زمانی مواد پیش‌نویس مرتبط با مسئولیت کشوری شامل مفهوم کلی جرائم بین‌المللی بودند من جمله نقض جدی یک تعهد بین‌المللی، با اهمیت مقتضی از نظر حفظ و نگهداری محیط زیست بشر، مانند ماده‌ای که آلودگی جو ماده‌ای که آلودگی دریا را ممنوع کرده بودند. کمیسیون حقوق بین‌الملل طی تفسیر ماده ۱۹ بخش ۱ پیش‌نویس مواد قانونی اظهار داشت: «قابل انکار نیست که تعهدات منتج از این قواعد برای حفظ منافع بسیار حیاتی برای جامعه بین‌الملل منظور شده‌اند تا مبدا اعضای این جامعه نقض جدی این تعهدات را تخلفی بین‌المللی با ویژگی بسیار خطرناک مانند جرم بین‌المللی تصور نکنند.» پیش‌نویس مجموعه قوانین کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص جرائم بر علیه صلح و امنیت بشریت نیز شامل مقرره‌هایی در خصوص آسیب زدن عمدی و شدید به محیط زیست می‌باشد. جرم‌انگاری در این بافت باعث آشکار شدن درک روزافزون یک منفعت همگانی نیازمند حفاظت از طریق روشهای همگانی مناسب می‌شود.

از نقطه نظر محیط زیستی دلیلی برای عدم مسئولیت برابر در قبال ایجاد چنین آسیبی در زمان صلح وجود ندارد. یک مقدمه مفهومی جالب در این خصوص توسعه جرائم علیه بشریت است که به تدریج از جرائم جنگی که عنصر ضروری شان نبرد مسلحانه است جدا شده‌اند.

۳- پیشرفت‌های احتمالی حقوق بین‌الملل کیفری محیط زیستی در آینده

از یک سو به نظر می‌رسد، جرم‌انگاری بین‌المللی باید تابع حقوق غیرکیفری و حقوق داخلی باشد. جرم‌انگاری آسیب زدن به محیط زیست باید مطابق با این مفهوم که مجازات کیفری باید آخرین راه چاره باشد، تابع جست و جوی روشهای جایگزین غیرکیفری برای رسیدگی به موضوع باشد مثلاً از طریق حقوق داخلی، حقوق مدنی و حقوق اداری.

۳-۱- راستی آزمایی

همانطور که قبلاً گفته شد بسیاری از اعضای جامعه حقوق بین‌الملل محیط زیست میانه‌روی قانونگذاری بین‌المللی موجود را ترجیح می‌دهند. حتی اگرگاهی به راهکارهای قضایی شدیدتر نیاز باشد راهکار کیفری الزاماً ارجحیت ندارد و یقیناً تنها راهکار موجود نیست. در سطح بین‌المللی، چارچوب داخلی عمده‌تاً جهت تسهیل توافق بین کشورها عمل می‌کند. این مخصوصاً در مورد گرم شدن زمین صدق می‌کند که روی تقسیم برابر نگرانه بار مسئولیت کاهش انتشار کربن به جای تعقیب کیفری کسانی که سهم خود را ادا نمی‌کنند متمرکز شده است. نظام بین‌المللی در بهترین حالت خواهان رسیدگی به مناقشات محیط زیستی است نه جرائم محیط زیستی، که موفقیت دآوری بین کشورها درخصوص امور محیط زیستی خود را نشان می‌دهد. به علاوه حقوق بین‌الملل بشر به عنوان راهی مناسب برای اجرای برخی هنجارهای محیط زیستی معرفی می‌شوند. تمام این گزینه‌های جایگزین جرم‌انگاری نقشی برای ایفا کردن دارند و کماکان از این استدلال حمایت می‌کنند که می‌گویند مادامی که این گزینه‌ها بتوانند به شماری از تهدیدات آسیب فاحش به محیط زیست جهانی رسیدگی کنند ضرورتی برای هجوم بردن به سمت جرم‌انگاری وجود ندارد.

از سوی دیگر، جرم‌انگاری بین‌المللی باید تابع انواع داخلی حقوق کیفری باشد.

در اینجا در اصل احترام به حق حاکمیت کشورها و حمایت در برابر بین‌المللی شدن زود هنگام مشکلاتی که به طور مؤثر در داخل کشور قابل رسیدگی هستند مورد توجه قرار دارند. چرا که حقوق کیفری رابطه تنگاتنگی با برداشتهای کلی از نظم عمومی کشور دارد. بعلاوه با توجه به اینکه جامعه بین‌الملل قادر به مدیریت کردن حجم بسیار زیاد تعقیب‌های محیط زیستی مقتضی نخواهد بود اطمینان از موضوع تعقیب داخلی از جنبه بین‌المللی منطقی به نظر می‌رسد. با این وصف نباید احتمال تخلف از نظم بین‌المللی براساس حقوق بین‌الملل محیط زیست و مبتنی بر معیاری مبالائی را تا جایی که مجازات خفیف‌تری دارند که وخامت کمتر آنها را نشان می‌دهد از قلم انداخت. نیاز به یک تخلف اصلی یا تدوین تخلفات موجود که خطرناکترین نوع رفتار از دید جامعه بین‌الملل را ادغام کند کاملاً شفاف است. می‌توان در بررسی این نیاز از الگوی حقوق بین‌الملل بشردوستانه کمک گرفت. به عنوان نمونه، کنوانسیونهای ژنو به وضوح تخلفات بسیار فاحشی را مشخص کرده اند که از دیرباز خطرناکتر از جرائم عادی شناخته شده‌اند و پایه و اساس جرائم جنگی را بنا می‌گذارند. تعریف و برجسته‌سازی تخلفات فاحش از حقوق بین‌الملل محیط زیست به ساختار بندی و تنظیم ممنوعیتهای مربوطه کمک می‌کند. فنون تنظیم پیش‌نویس که تا حدودی با موفقیت برای تعریف نسل‌کشی، جرائم ضد بشری، جرائم جنگی، تجاوز، تروریسم یا قاچاق به کار رفته‌اند در چارچوب محیط زیست هم قابل استفاده هستند. (پورهاشمی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۶۷-۱۸۲)

در صورت وقوع جرم بین‌المللی بر علیه محیط زیست، از هرگونه حمله فراگیر و سیستماتیک یا آسیب اینگونه به محیط زیست نام ببرد و در این باب از جرائم ضد بشری الهام بگیرد و با الهام‌گیری از پروتکل I می‌تواند تصریح کند که عمل مورد نظر برای وارد کردن آسیب فراگیر، بلند مدت، شدید، یا جبران ناپذیر به محیط زیست در نظر گرفته شده یا انتظار می‌رفته چنین عواقبی داشته باشد. بعد از جملات معرف می‌توان لیست جرائم خاص را عنوان کرد که از معاهدات بین‌المللی محیط زیستی موجود که ممنوعیتهای

کیفری شفافی را قید کرده‌اند مثلاً از کنوانسیون بازل، کنوانسیون داد و ستد بین‌المللی گونه‌های در معرض انقراض و کنوانسیون بین‌المللی پیشگیری از آلوده‌سازی دریا توسط کشتی‌ها کمک خواهد گرفت.

در صورت برابری سایر شرایط موجود، هرچه وخامت جرم بیشتر باشد احتمال بین‌المللی بودن نظام کیفری بیشتر خواهد بود. آشکارترین راه برای اجرای بین‌المللی راهی است که برای حصول اطمینان از تعهد حوزه‌های قضایی داخلی در قبال تعقیب جرائم بین‌المللی محیط زیستی روی نقش این حوزه‌ها متمرکز گردد. این الگو کشورهای را ترغیب می‌کند تا بر اتباع یا شرکتهای خود که آسیب فاحشی را در خارج از کشور به محیط زیست وارد کرده‌اند مخصوصاً در جایی که امیدی به تعقیب شایسته و با کفایت جرم در کشور محل وقوع آن وجود ندارد اعمال صلاحیت نمایند.

بحث و استدلال‌های هنجاری به نفع صلاحیت جهانی از بعضی جهات برای جرائم محیط زیستی قویتر از جرائم دیگر هستند که تصور می‌شده این صلاحیت را موجه می‌کنند. به عنوان مثال هرچند اعمال شبه جرم به طور محتمل وجدان بشریت را تکان می‌دهند اما تأثیر عمل شبه جرم روی یک کشور و مردمی که هزاران مایل با محل وقوع شبه جرم فاصله دارند بسیار محدود است و از طرفی تأثیر آن بر روی کل جامعه بین‌الملل بسیار فرضی‌تر خواهد بود. بالعکس، تأثیر آسیب فاحش محیط زیستی واقع شده در یک کشور بر روی کشورهای دیگر بسیار چشمگیر و ملموس خواهد بود. بنابراین اعمال صلاحیت جهانی در چنین موردی صلاحیت حفاظتی (به دلیل متأثر شدن منافع بایسته بعضی از کشورها) و پذیرش جهان‌گرا تر صلاحیت از طرف جامعه جهانی را ادغام می‌کند. (جلالین و دیگران، ۱۳۹۷: ۹-۳۴) تعقیب برخی جرائم محیط زیستی در یک دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند به هنگامی ضروری بودن خود را ثابت کند که کشورها در صدد پوشش‌دهی صلاحیتی قابل ملاحظه افراد متخطی مثلاً از طریق سازماندهی جلسات دادرسی ساختگی برای منحرف کردن توجه جهانیان برآیند. اصل تکمیل‌گری که در حال

حاضر مشخصه دیوان کیفری بین‌المللی می‌باشد یک اصل بجا و مناسب برای تفکر در مورد زمان تعقیب چند ملیتی جرائم بر علیه محیط زیست، مثلاً در موقعیتی است که کشورها تمایل یا توان تعقیب آنها را ندارند. تعقیب بین‌المللی جرائم محیط زیستی پیامی را درباره قابل تعقیب و مجازات بودن رفتار مربوطه ارسال می‌کند. به علاوه گویای تمایل جامعه بین‌الملل برای ایستادگی متحده در برابر چنین رفتاری می‌باشد.

۲-۳- دیپلماسی پیشگیری

بیش از ۸۰ درصد از کشورها جرایم محیط زیستی را یک اولویت ملی می‌دانند و اکثر آنها اذعان دارند که فعالیت‌های جنایی جدید و پیچیده تر به طور فزاینده‌ای صلح و امنیت را تهدید می‌کند. اینترپل و برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد نزدیک به ۷۰ کشور را برای آخرین گزارش مشترک خود در مورد این موضوع بررسی کردند و بیان داشتند که «زمان مقابله با تهدید جنایات محیط زیستی با واکنشی هماهنگ از سوی کشورهای عضو، سازمان‌های بین‌المللی و سازمان ملل فرا رسیده است. چنین واکنشی باید به مسائل مربوط به اشتراک‌گذاری اطلاعات بهبود یافته، اجرای بهتر قانون و اقدامات عمیق‌تر پاسخ دهد. با توجه به اینکه جرایم محیط زیستی گاهی به عنوان جایگزینی برای فقر برای جمعیت‌های کم درآمد تلقی می‌شود، نیازهای آنها توسط گروه‌های جنایتکار که برای فعالیت‌هایی مانند شکار غیرقانونی، قطع درختان، ماهیگیری یا معدن به آنها متکی هستند، مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. (UNEP and INTERPOL, ۲۰۱۷, ۱۰) در این راستا رویکرد چند رشته‌ای برای مقابله با جرایم محیط زیستی، تبادل اطلاعات بیشتر در بخش‌های مختلف، افزایش تمرکز بر اجرای سیاست‌های محیط زیستی و حمایت مالی قوی تر از جمله از طریق کمک‌های رسمی توسعه بایستی مد نظر قرار گیرد. اینها از جمله راهبردهای پیشگیرانه است که مسیر دیپلماسی می‌تواند محقق‌کننده آن باشد.

با این وصف اول، اجماع فزاینده‌ای در حال ظهور است که پیشگیری اولیه

به اندازه پیشگیری دیر هنگام مهم است. دوم، در حال حاضر یک دیدگاه عقل سلیم وجود دارد که "چرخه پیشگیری" حیاتی است، با تمرکز به همان اندازه که بر صلح سازی پیشگیرانه تمرکز می شود که صلح سازی پس از جنگ. سرانجام، تعهد رو به رشدی به اصطلاح «پیشگیری ساختاری» با تمرکز بر ایجاد مکانیسم‌های مبتنی بر قوانین و قابل پیش بینی برای بازدارندگی و کاهش احتمال شروع و مدت خشونت گسترده وجود دارد. (Ali and Susskind, ۲۰۱۵: ۹۴-۹۸)

۳-۳- آینده نگاری

نگرانی فزاینده در مورد مسائل محیط زیستی نیاز به اجرای موثر مقررات محیط زیستی و تحقیقات حمایت کننده از این تلاش ها را تشدید کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که خلأهای سیاسی، نهادی و دانش تنظیمی وجود دارد. در این راستا خلأ دانش باید بیشتر به خلأ اطلاعاتی و حرفه‌ای تقسیم شود. و به این ترتیب، عدم اجماع در مورد اجرای مقررات، چالش‌های شدید در جریان اطلاعات و منابع ناکافی وجود دارد که روی هم یک رژیم نظارتی متناقض را تشکیل می‌دهند که بر اساس اعتماد بین تنظیم‌کننده‌ها، از یک سو، و مفروضات اساسی بازی نادرست است. این مساله نشانگر این است که مقامات اجرایی در طناب محکمی بین رعایت و مجازات استراتژی‌های نظارتی قدم می‌زنند و در طول کار خود سعی می‌کنند از افتادن در خلأهای نظارتی جلوگیری کنند. اگرچه همگام با این رویکردها بایستی رویکرد آینده نگارانه ای در دستور کار باشد و این خلاء ها نبایستی موجبات فقدان مقابله با مخاطرات محیط زیستی را بیش از پیش وسعت بخشد. از این رو بنظر می رسد اولاً؛ نظام جرم انگاری و کیفر انگاری نیازمند توجه متقن دولتهاست و طرح مسئولیت بین المللی دولتها می تواند در پی احیاء ماده ۱۹ باشد. ثانیاً؛ نظام پیشگیری همواره می تواند اثربخش باشد کما اینکه حرکات پیشگیرانه حیات محیط زیست را تقویت می نماید. ثالثاً؛ الگوهای رفتاری در چارچوب

نظام دیپلماسی گفتمانی می تواند شرایط را محفوظ نگاه دارد.

برآمد

فراخوان برای ایجاد حقوق بین‌الملل کیفری محیط زیستی با وجود پیشرفت های چشمگیر در حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق بین‌الملل کیفری آغاز شده و در اثر توسعه های محیط زیستی خاص در مورد نقش آسیب محیط زیستی فاحش نگاهی موثر به آن شده است. در این پژوهش به بعضی از موانع و احتمال موفقیت حقوق بین‌الملل کیفری محیط زیستی اشاره و به این نتیجه رسیدیم که اگر چه موانع موجود غامض هستند اما احتمال موفقیت خوب است. بحث های مستدلی به نفع جرم‌انگاری و جرم‌انگاری بین‌المللی آسیب فاحش محیط زیستی وجود دارند. با این وصف مقاله حاضر چند روش را مطرح کرده که بتوانیم حقوق بین‌المللی کیفری محیط زیستی که مکمل قاطع حقوق بین‌الملل کیفری باشد را تصور کنیم.

آیا پیدایش حقوق بین‌الملل کیفری محیط زیستی در آینده به واقعیت می‌پیوندد؟ فقط امیدواریم یک فاجعه عظیم برای ترغیب جامعه بین‌الملل برای اقدام به عمل، لازم نباشد. قطعاً اجماع قوی اجتماعی درباره مطلوبیت جرم‌انگاری آسیب های محیط زیستی عمده‌تر در اثر توسعه در خارج از قلمرو خود حقوق بین‌الملل کیفری حاصل خواهد شد.

با این وجود به طور حتم هر دو حقوق بین‌الملل و داخلی کیفری در نهایت شدیداً وابسته به قدرت هستند. حقوق کیفری زمانی جدی گرفته می‌شود که نشانگر تهدیدی واقعی باشد. اما تمرکز قدرت یک مشکل پایدار در جامعه بین‌الملل، بخصوص در رابطه با اهداف حفاظت از محیط زیست می‌باشد. در واقع مشخصه امروزی نظام بین‌الملل آن است که هم متمرکز و هم از برخی جهات کلیدی کاملاً غیرمتمرکز است. از یک سو سازمان های مسئول متمرکز، خواه شورای امنیت خواه دیوان کیفری بین‌المللی، رژیم بین‌المللی خشونت سیاسی را هرچه بیشتر زیر ذره بین گذشته اند اما از سوی دیگر انواع پراکنده تر خشونت و آسیب مثل خشونت و آسیب وارده به محیط زیست هنوز با رژیم

شدیداً غیرمتمرکز هنجارسازی و اجرای آن مواجه هستند. در نبود یک سازمان متمرکز مسئول حقوق کیفری در سطح بین‌المللی، دولت‌ها می‌توانند با قدرت اعمال نفوذ کرده و این ساختار را قوام بخشند.

در پایان ارزش یادآوری را دارد که بگوییم ضد و نقیض مهمی در اعتلای حقوق بین‌الملل کیفری وجود داشته است. درست است که منشأ پیدایش حقوق بین‌الملل کیفری اجماع اجتماعی خاصی بوده که به ارزشها، اعتقادات و تعصبات اخلاقی قانونگذاران نیرو و باز نمود سمبلیک می‌بخشد و بافت محیط زیست دارای کارکرد گویا و شفاف است اما در عین حال باتوجه به بعضی از خطرات موجود، انتظار کشیدن برای رسیدن به اجماع در چارچوب محیط زیست و ضرورت متناظر اقدام کنش‌گرایانه به نفع راهکارهای ابتکاری به قیمت بدی تمام می‌شود. حقوق کیفری نه تنها زبان گویای جامعه‌ای برقرار می‌باشد بلکه از جهتی همان عامل برقراری این جامعه است به عبارتی یک جامعه بین‌المللی که حملات فاحش به محیط زیست را جرم‌انگاری کند در اصل خود را به عنوان جامعه‌ای معرفی خواهد کرد که لااقل تا حدودی در آرزوی حفاظت از محیط زیست خود می‌باشد.

منابع

الف) فارسی

- احمدی، اصغر، شاملو، باقر، خسروشاهی، قدرت الله (۱۳۹۶). جرایم علیه محیط زیست در حقوق کیفری ایران و آلمان، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس (اینترپل)*، سال ۷ شماره ۳۲.
- جام بزرگ، مریم، پورنوری، منصور، پوره‌اشمی، عباس، هرمیداس باوند، داوود (۱۳۹۸). مولفه‌ها و چالش‌های تدوین شاخص‌های جرم زیست محیطی تحت عنوان جرم بین‌المللی، *فصلنامه علوم تکنولوژی انجمن متخصصان محیط زیست ایران*، دوره ۲۱ شماره ۴ پیاپی ۸۳.
- جلالیان عسگر (۱۳۹۹). امکان‌سنجی توسعه مفهوم جرایم بین‌المللی به جرایم محیط زیستی با تأکید بر اصل توسعه پایدار، *فصلنامه علمی آموزش محیط زیست و توسعه پایدار* سال نهم شماره ۲.
- جلالیان، عسگر، زارعی، مصطفی، افروغ، عبدالمحمد (۱۳۹۷). چالش‌های حقوق کیفری بین‌المللی در مبارزه با جرایم زیست محیطی، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس (اینترپل)*، دوره ۹ شماره ۳۳.
- حیدرزاده، الهام، مظفری زاده، سجاد (۱۳۹۲). پیشگیری از جرایم زیست محیطی، *فصلنامه اخلاق زیستی*، سال سوم شماره ۷.
- رمضانی قوام آبادی، محمدحسین (۱۳۹۰). پیشگیری و سرکوب جرایم زیست محیطی در پرتو اقدامات سازمانهای غیردولتی در نظام حقوقی ایران، *فصلنامه حقوقی دادگستری*، سال ۷۵ شماره ۷۵.
- کشکولیان، اسماعیل، شیخ‌الاسلامی، عباس، نقوی، مهدی (۱۳۹۸). جرایم زیست محیطی و راهکارهای پیشگیری از آن، *فصلنامه اخلاق زیستی*، دوره ۹ شماره ۳۲.
- مک کالیون، کنت (۱۳۸۳). اجرای عدالت درباره محیط زیست بین‌المللی حقوق و راه

حلقها، ترجمه محمدحسین زاهدین لباف، *دوفصلنامه حقوقی بین المللی مرکز امور حقوقی بین المللی نهاد ریاست جمهوری*، شماره ۳۱.
نصراصفهانی، احمد، رئیسی، لیلا، آرش پور، علیرضا (۱۳۹۹). جرم‌انگاری بین‌المللی زیست بوم زدایی، *فصلنامه آموزه های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، دوره ۱۷ شماره ۱۹.

(ب) انگلیسی

- Elliott ,Lorraine .(2012)Fighting Transnational Environmental Crime, *Journal of International Affairs*, Vol. 66, No. 1, Transnational Organized Crime, Recoverable:
<https://www.jstor.org/stable/24388253>
- European Commission .(2021) *on stepping up the fight against environmental crime, Communication From The Commission To The European Parliament And The Council*, Brussels.
- Favarin,Serena, Aziani,Alberto (2020). The Global Waste Trafficking and Its Correlates, *Journal of Contemporary Criminal Justice*, Vol 36, Issue 3, Recoverable: <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1043986220939701>
- Hamilton, Mark (2019). Restorative Justice Intervention in an Aboriginal Cultural Heritage Protection Context: Chief Executive, Office of Environment and Heritage v Clarence Valley Council. *Environmental and Planning Law Journal*, 36 (3). Recoverable: <https://www.researchgate.net/publication/292882356>
- Hamilton, Mark .(2021) *Environmental Crime and Restorative Justice :Justice as Meaningful Involvement*, Palgrave Macmillan.
- INTERPOL and UNEP, (2017) *Environment, Peace and Security? A Convergence of Threats - Strategic Report*, GLOBAL ISSUESCONFLICT MITIGATION AND PEACEBUILDING, <https://climate-diplomacy.org/magazine/conflict/environment-peace-and-security-convergence-threats-strategic-report>.

- Kess, Janssen. Milous, Dunois (2014). ***Global pesticides governance by disclosure: prior informed and the Rotterdam convention. Authors' version of Chapter 5, forthcoming in: Marti Gupta and Michael Mason, ed, Transparency in Global Environmental Governance: Critical Perspectives***. Cambridge, MA, MIT Press.
- Lynch, Michael J., Pires, Stephen F (2019). ***Quantitative Studies in Green and Conservation Criminology: The Measurement of Environmental Harm and Crime***, Routledge Publication.
- Nicolas, Leila, Kallab, Elie (2021). ***Effective Forms of Environmental Diplomacy***, Published by Routledge.
- Susskind, Lawrence, Ali, Saleem (2015). ***Environmental Diplomacy Negotiating More Effective Global Agreements***, New York, NY: Oxford University Press.
- Uhm, Daan P. van, Nijman, Rick C.C (2020). The convergence of environmental crime with other serious crimes: Subtypes within the environmental crime continuum, ***European Journal of Criminology***, Recoverable: <https://journals.sagepub.com/doi/full#10.1177/1477370820904585/>
- White, Rob. (2020) ***Environmental Crime***, Elgar Publication.